

راهبردهای اجتماعی و انتظامی در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان

محمد قنبری^۱، سامان عبدالهی^۲، غلامرضا وطن دوست^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۲

از صفحه ۱۸۳ تا ۲۰۲

پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم،
شماره چهارم (بیای بیجاده دوم)، زمستان ۱۳۹۹

چکیده

مقدمه: یکی از تحولات جدید در سیاست جنایی تقنینی کشورمان، تئوری مسئولیت کیفری کاهش یافته و با پیش بینی مسئولیت کیفری تدریجی، پاسخ های کیفری مختلفی را لحاظ کرده است؛ به طوری که هر اندازه سن اطفال بالاتر رود (از سن بلوغ تا ۱۸ سال)، میزان مسئولیت کیفری آنان بیشتر شده و نوع مجازات ها و یا میزان آن ها شدیدتر می شود و در مجموع، نظام عدالت کیفری ایران سازوکارهای تعدیل یافته ای را در قبال اطفال و نوجوانان پیش بینی کرده است.

روش: در این مقاله، نگارندگان با روش تحلیلی- توصیفی به راهبردهای اجتماعی و انتظامی در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان پرداخته اند.

یافته ها: با تصویب قوانین جدید کیفری مسأله بزهکاری اطفال و نوجوانان، پاسخ های اجتماعی و انتظامی برخورد مناسب تری با بزهکاری و انحراف این گروه اجتماعی نشان داده و در فرآیندهای مختلف، رویکردی افتراقی و حمایتی را در پاسخ به جرائم و انحرافات اطفال و نوجوانان برگزیده است.

نتیجه گیری: هرچه راهبردهای انتظامی و اجتماعی از الگوهای تهاجمی و سخت گیری کیفری در قبال اطفال و نوجوانان استفاده کنند، منجر به بزهکاری دوباره آنان خواهند شد؛ ولی از طرفی، هرچه راهبردهای انتظامی و اجتماعی از الگوهای اعتدالی و باز پروانه استفاده کنند، منجر به این خواهد شد که اطفال بزهکار به آغوش خانواده و جامعه باز گردند.

کلیدواژه ها: واکنش های تنبیهی، راهبردهای اجتماعی، راهبردهای انتظامی، بزهکاری اطفال و نوجوانان.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول): samanabdollahi1373@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.



مقدمه

شاید در آغاز، هیچ‌گونه تفاوت معناداری بین مبانی تعیین واکنش‌های اجتماعی نسبت به اعمال واجد وصف مجرمانه ارتكابی بزرگسالان و اطفال و نوجوانان به نظر نرسد؛ زیرا در تعیین واکنش‌های اجتماعی، اعم از مجازات‌ها و اقدامات تأمینی نسبت به بزرگسالان، اصلاح و یا بازسازی اجتماعی مرتکب جرم حداقل یکی از محورهای اساسی را تشکیل می‌دهد، ولی با وجود این، باید توجه داشت که به هر حال، در نظام‌های کیفری در مورد اعمال مجازات نسبت به بزرگسالان، اصلاح و تربیت فقط یکی از اهداف تعیین واکنش است. ارباب و سزا دادن نیز از جمله هدف‌های تعیین واکنش محسوب می‌شود؛ به علاوه، مجازات بزرگسالان در حقیقت به دلیل تقصیر جزایی ایشان صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر، بزرگسال را می‌توان فردی مسئول رفتار خود و قابل سرزنش اخلاقی تلقی کرد. از این رو، با توجه به تحولات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نگارندگان بر آن شدند تا به بررسی و تحلیل واکنش‌های تنبیهی برای اطفال و نوجوانان بزهکار در این قانون بپردازند.

ویژگی‌های اساسی مجازات عبارت‌اند از: رنج‌آوری آن با هدف تحقق مبنای سزادهی، و رسواکنندگی آن با هدف تأمین ارباب و سرزنش اجتماعی، در مورد ایشان حفظ شده‌اند و حال آنکه، چنانچه اشاره شد، تعیین واکنش‌های اجتماعی نسبت به رفتار اطفال و نوجوانان معارض با قانون^۱ صرفاً به منظور اصلاح و تربیت و یا بازسازی اجتماعی ایشان می‌باشد؛ زیرا اطفال و نوجوانان به لحاظ فقد مطلق و یا نسبی مسئولیت، مقصر و یا حداقل مقصر تام در رفتار و کردار خود شناخته نمی‌شوند و مستحق سرزنش اجتماعی نیستند. اعمال «مجازات» بر آنان با در نظر گرفتن اهداف و ویژگی‌های مجازات منتفی است.

غرض از اعمال واکنش‌های اجتماعی، آن است که به اطفال و نوجوانان مساعدت شود تا احساس کنند که در زندگی اجتماعی مسئول اعمال و رفتار خود هستند و آثار زیان‌بار رفتار خود را نسبت به قربانیان جرائم درک کرده و با ایشان هم‌دردی کنند. سرانجام، اعمال واکنش‌های اجتماعی اتخاذ شده باید موجب تحقق بازپروری، ایجاد اعتماد به نفس، بازسازی اجتماعی و در نهایت، اصلاح و تربیت باشد.

۱- اطفال و نوجوانان به چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شوند: الف) اطفال و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری، ب) اطفال و نوجوانان بزهکار (معارض با قانون)، ج) اطفال و نوجوانان بزه‌دیده، د) اطفال و نوجوانان شاهد و مطلع از وقوع جرم؛ (برای اطلاعات بیشتر از این دسته‌بندی، می‌توانید رجوع کنید به: یاراحمدی، حسین (۱۳۹۶). «سیاست جنایی پلیس در قبال اطفال و نوجوانان (چالش‌ها و راهکارها)». (رساله دکتری)، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی).

با توجه به این که در تنبیه اطفال و نوجوانان، هدف اصلی این است که اطفال یا نوجوان از خانواده خود و اجتماع جدا نشود، با این اوصاف، نگارندگان در این تحقیق در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی هستند که راهبردهای اجتماعی برای اطفال و نوجوانان بزهکار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به چه شکل پیش‌بینی شده است؟

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

پیشینه پژوهش

- مؤذن‌زادگان و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی سیاست جنایی پلیس‌های ایران و کانادا در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر» نشان می‌دهند که در حقوق ایران به دلیل ناهماهنگی بین مواد قانونی ۳۱ و ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری و عدم اعطای اختیار به پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، پلیس ایران در قبال حمایت اطفال و نوجوانان در معرض خطر، فاقد سیاست جنایی مشخصی است؛ ولی مقاله حاضر راجع به موضوعات مجازات‌های اجتماعی در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان راهکاری ارائه نداده است.

- مهدوی ثابت و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدر و روان‌گردان کودکان در نظام عدالت کیفری» نشان می‌دهند که در سیاست جنایی ایالات متحده، برنامه‌های پیشگیرانه اجتماعی مانند آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان، مدیریت مدرسه، مدیریت کلاس‌های درس، بازسازماندهی سطوح مدارس یا کلاس‌های آن‌ها و افزایش خودکنترلی که از رفتارهای شناختی یا روش‌های دستوری رفتاری دنبال می‌شود. در کانادا نیز برنامه‌های پیشگیری از جرائم کودکان مانند مراقبت‌های روزانه از کودکان و آموزش مهارت‌های والدین همراه با کودکان صورت می‌پذیرد. در ایران نیز برنامه‌های پیشگیری در سطح مدارس، خانواده، نهادهای دینی، و از طریق سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی اجتماعی متولی و مشارکت‌های اجتماعی و سمن‌ها اجرا می‌شود؛ ولی مقاله حاضر راجع به موضوعات مجازات‌های اجتماعی در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان راهکاری ارائه نداده است.

مبانی نظری پژوهش

الغاء و تعدیل واکنش‌های تنبیهی برای اطفال و نوجوانان بزهکار

با فراگیر شدن آموزه‌های حقوق بشری و پیدایش آموزه‌های جدید جرم‌شناختی، رویکرد حقوق کیفری در این زمینه متحول شد و در نتیجه، تغییر نگرشی در خصوص استفاده از



مجازات‌های تنبیهی پدید آمد؛ به‌ویژه در گستره عدالت کیفری اطفال، بیشتر سیاست‌گذاران جنایی به‌سوی کنارگذاری این نوع پاسخ‌ها متمایل شده‌اند. پاسخ‌های تنبیهی کیفرهایی همچون اعدام، شلاق و اقدامات سالب آزادی را شامل می‌شوند که تنها اعمال اقدامات سالب آزادی، آن‌هم در شرایط معین و هنگامی که استفاده از سایر اقدامات کارایی نداشته باشد، در اسناد بین‌المللی پیش‌بینی شده است (شاملو، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

الف - الغاء کیفر اعدام برای اطفال و نوجوانان بزهکار

«اعدام» از نظر لغوی به معنای «نابود کردن» و «از بین بردن» است؛ از نظر اصطلاحی، «ضمانت اجرای کیفری سالب حیات» را اعدام می‌گویند (رحمانی، ۱۳۸۹: ۱۲). مخالفان و موافقان مجازات اعدام دلایل متعددی در اثبات دیدگاه خود مطرح می‌کنند که بررسی آن‌ها از حوصله این پژوهش خارج است. عمده دلایل مخالفان اعدام از این قرار است:

عدم استحقاق حکومت در سلب حیات که موهبتی الهی است، اصلاح‌کننده نبودن اعدام، تبعیض‌آمیز بودن دادرسی‌های مستوجب اعدام، عدم توجه به علت‌شناسی جرائم با حذف مرتکب، نسبی بودن دادرسی انسانی و مطلق بودن اعدام.

غالب دلایل مطرح شده توسط موافقان و مخالفان، بیش از آن‌که مبتنی بر مطالعات عینی و علمی باشد، از جهت‌گیری‌های فکری شخصی نشأت می‌گیرد. با توجه به این که از نظر جامعه‌شناسی کیفری، ارتباط تنگاتنگی میان ساختار یک جامعه و ضمانت اجرای کیفری مناسب آن جامعه و فرد اعدامی وجود دارد، صحبت از ابقا یا الغای اعدام بدون توجه به ساختار هر جامعه و مقتضیات هر شخص بی‌معنا است؛ به‌عنوان مثال، باید گفت آیا وجود مجازات اعدام در جامعه ایران نسبت به اطفال و نوجوانان مطلوب است یا خیر؟

پیمان حقوق کودک که یک سند بین‌المللی الزام‌آور است، در بند الف ماده ۳۷، کشورهای عضو را از به‌کارگیری مجازات اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال منع می‌کند. مقررات حداقل استاندارد سازمان ملل برای مدیریت دادگستری نوجوانان در ماده ۲-۱۷ تصریح می‌کند که «مجازات اعدام برای هیچ جرمی از سوی نوجوانان مقرر نخواهد شد»؛ افزون بر این موارد، تدابیر احتیاطی برای تضمین حمایت از حقوق افراد مواجه با مجازات مرگ، مصوب ۱۹۸۶، بر ممنوعیت اعدام کسانی که در زمان ارتکاب جرم ۱۸ سال ندارند، تأکید کرده است. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر هم که یک سند منطقه‌ای است، از طریق بند ۵ ماده ۴ این کیفر را منع کرده است (خواجانه‌نوری، ۱۳۹۶: ۱۸۲).

در حوزه سیاست کیفری ایران، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مواد ۸۸ و ۸۹،

کیفر اعدام در مورد جرائم تعزیری مرتکبان زیر ۱۸ سال قابل اجرا ندانسته است؛ در خصوص جرائم مستوجب حد و قصاص ماده ۹۱ مقرر شده است: «در جرائم موجب حد یا قصاص، هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند».

یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی، توجه به رشد کیفری در جرائم مستوجب حد یا قصاص و تئوری مسئولیت نقصان‌یافته در حقوق کیفری است (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۰۹). در طول قانون‌گذاری بعد از انقلاب، این رویکرد بی‌سابقه بوده است؛ از این‌رو، اصل بر این است که افراد بالغ تا ۱۸ سال دارای مسئولیت کیفری کامل هستند، مگر اینکه دادگاه احراز کند که فرد بالغ زیر ۱۸ سال ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نمی‌کند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وارد شود، مجازات اصلی ساقط می‌شود و به مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان محکوم خواهد شد.

ب - الغاء کیفر شلاق برای اطفال و نوجوانان بزهکار

قبل از انقلاب اسلامی، به جز اعدام، مجازات بدنی دیگری در نظام عدالت کیفری ایران پیش‌بینی نشده بود؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌خصوص در سال‌های اولیه پس از پیروزی، اشتیاق و احساس تعهد مراجع ذیربط، جهت تصویب و اجرای مقررات شرعی از یک طرف و تفسیر و تعریفی که از مجازات‌های شرعی، به‌خصوص تعزیرات، توسط علما و به‌خصوص فقهای شورای نگهبان به عمل می‌آمد، از طرف دیگر، موجب شد که در وضع قوانین کیفری حتی در غیر موارد منصوص که نوعاً شامل مجازات‌های بدنی می‌شد، به مجازات‌های عرفی کمتر توجه شود و در تهیه لوایح مربوط که بعضاً برگرفته از قوانین سابق بودند، مجازات‌های عرفی همانند حبس و جزای نقدی و امثال آن به مجازات بدنی و شلاق تغییر پیدا کنند (حق‌طلب و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱۸).

ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی قرار داد»؛ بنابراین، اعمال این کیفرها حتی در خصوص مجرمان بزرگسال، از سوی جوامع بین‌المللی مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.

کیفر شلاق به دلیل ویژگی تحقیرکنندگی و دردآوری، از سوی اسناد بین‌المللی منع شده‌اند. علاوه بر اسناد بین‌المللی عام، مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه حقوق بشر، اسناد بین‌المللی خاص ناظر بر اطفال بزهکار نیز ممنوعیت اعمال این کیفر



را اعلام کرده‌اند.

در ماده ۳۷ (بند الف) پیمان حقوق کودک آمده است که «کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که هیچ کودکی مورد شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار نگیرد»؛ قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای دادگستری جهت نوجوانان (قواعد پکن، بیجینگ) به صراحت تنبیه بدنی را ممنوع کرده و در ماده ۳-۱۷ تأکید می‌کند که «نوجوانان در معرض تنبیه بدنی قرار نخواهند گرفت». در راستای این سیاست، بسیاری از کشورها تنبیه بدنی را از سیطره قوانین خود کنار گذاشته و این کنارگذاری اگر عمومیت نداشته باشد، حداقل اعمال آن در خصوص اطفال بزهکار ممنوع است؛ به‌عنوان مثال، در مقررات کیفری ترکیه و افغانستان هیچ‌گونه کیفر بدنی برای اطفال بزهکار پیش‌بینی نشده است (خواجانه‌نوری، ۱۳۹۶: ۱۸۰).

در تبصره ۲ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مقرر شده بود «هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند، تنبیه باید به میزان و مصلحت باشد». پس، مقام‌های قضایی می‌توانستند در صورت ضرورت، از پاسخ‌های بدنی برای متنبه ساختن اطفال بزهکار بهره گیرند. این سیاست با رویکرد قانون‌گذار که بر تربیت اطفال بزهکار تأکید دارد، کاملاً در تعارض بود؛ زیرا تنبیه بدنی از سازوکارهای الگوی سزادهی برای پاسخ‌دهی به رفتار مجرمانه به‌شمار می‌رود.

علاوه بر این، اطفال بزهکار به‌دلیل ارتکاب شماری از جرم‌های دارای کیفر حد نیز به مجازات بدنی محکوم می‌شدند. مطابق مواد ۱۱۲، ۱۱۳ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، دادگاه می‌توانست اطفال مرتکب جرم‌های لواط و قذف را تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم کند. به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که در پرتو قانون مزبور، کیفر تازیانه برای پاسخ‌دهی به بزهکاری دسته‌ای از کودکان و نوجوانان به رسمیت یافته بود (زراعت، ۱۳۸۷: ۴۰۷). این شکل سیاست‌گذاری نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایران در آن زمان نتوانسته بود به‌صورت منسجم، الگوی مناسبی برای نظام ضمانت اجرای ناظر به اطفال و نوجوانان بزه‌کار برگزیند؛ زیرا از یک‌سو، در صدر ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، اصلاح و تربیت این دسته از مجرمان را در شمار هدف‌های بنیادی عدالت کیفری گنجانده بود و از سوی دیگر، در پرتو تبصره ۲ این ماده و مواد ۱۱۲ و ۱۱۳، به الگوی سزادهی برای پاسخ‌دهی به کودکان و نوجوانان بزهکار رسمیت بخشیده بود. این تناقض در سیاست‌گذاری‌ها، فرآیند پاسخ‌دهی به این دسته را با چالش‌های اساسی مواجه ساخته بود؛ به‌گونه‌ای که سامانه عدالت کیفری را در کاهش میزان بزهکاری کودکان و نوجوانان و چه‌بسا پایداری آنان در این ورطه، ناکام گذاشت (نیازپور، ۱۳۹۶: ۱۸۱).

با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تدوین نظام ضمانت اجرای جداگانه برای اطفال و نوجوانان بزهکار، کیفر شلاق برای هیچ یک از جرائم ارتكابی از سوی اطفال نابالغ قابل اجرا نیست و به نظر می‌رسد صرفاً امکان بهره‌جستن از کیفرهای بدنی در خصوص بالغان کمتر از ۱۸ سال مرتکب جرم‌های حد و یا قصاص‌پذیر، وجود دارد؛ زیرا به موجب ماده ۹۱ این قانون، در صورت ارتكاب جرم‌های مذکور از سوی این دسته و وجود رشد کیفری، باید همان کیفرهای پیش‌بینی شده برای جرم‌های مستوجب حد و قصاص را به اجراء در آورد.

ج - تعدیل اقدامات سالب آزادی در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار

حقوق کیفری برای پاسخ‌دهی به اطفال و نوجوانان بزهکار، هدف‌های متعددی را دنبال می‌کند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، توان‌گیری است. در پرتو این هدف، نظام عدالت کیفری درصدد سلب توان بزهکاران برمی‌آید. در واقع، این سامانه از رهگذر روش‌های طردکننده گرفتن توان بزهکاران و ایجاد مانع برای محدود کردن آزادی آنان و در نتیجه، سلب هرگونه قابلیت تکرار جرم را مورد هدف قرار می‌دهد. به این ترتیب، نظام عدالت کیفری با سلب توان مجرمان و از بین بردن فرصت‌های تکرار جرم، به دفاع اجتماعی و بسترسازی برای پیشگیری از روآوری دوباره به بزهکاری مبادرت می‌ورزند (نیازپور، ۱۳۹۶: ۱۸۲).

این آثار در خصوص اطفال بزهکار، تنها از دست دادن آزادی نیست، بلکه شامل جدا شدن از محیط عادی اجتماعی، به‌ویژه محیط خانواده هم می‌شود و بدون شک، این امر برای اطفال که در مراحل رشد قرار دارند، عواقب خطرناک‌تری نسبت به افراد بالغ به دنبال دارد. از این‌رو، در قواعد پکن، هدف از وضع قاعده ۱۹ محدودیت، استفاده از روش سالب آزادی است که این محدودیت هم از لحاظ کیفی، یعنی استفاده از تدابیر سالب آزادی به‌عنوان آخرین راه ممکن، و هم از جنبه کمی، یعنی توسل به این تدابیر برای حداقل زمان ممکن، مورد توجه قرار گرفته است (خواججه‌نوری، ۱۳۹۶: ۱۸۴-۱۸۳).

از جمله ابداعات و تأسیساتی که منطبق با موازین بین‌المللی بوده و نیز منجر به کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها می‌شود، همانا موضع متخذه مقنن در خصوص اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال می‌باشد. مقنن در قوانین هم‌عرض سابق، مسئولیت کیفری اطفال را رسیدن به حد بلوغ شرعی قرار داده بود که در کمتر از آن حد مشمول هیچ‌گونه مجازات حبس‌محور نمی‌شد؛ لکن پس از آن حد بلوغ شرعی دارای استحقاق کامل برای تحمل مطلق مجازات حبس‌محور را می‌داشت. لیکن، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، این امر هم‌سو با موازین بین‌المللی و در جهت کاهش میزان جمعیت کیفری



محبوسین تعدیل شد. بنابراین، در خصوص اطفال و نوجوانانی که کمتر از ۱۲ سال دارند، به صورت مطلق، فرستادن به زندان یا حتی کانون اصلاح و تربیت ممنوع شده است و لذا، جمعیت کیفری محبوسین به سن کمتر از ۱۲ سال در مطلق جرائم مستوجب حبس تعزیری را برخلاف سابق نخواهیم داشت. در خصوص اطفال یا نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال نیز در صورت ارتکاب جرم تعزیری تا درجه ۵ امکان فرستادن به کانون اصلاح و تربیت وجود دارد و در غیر این صورت، از حبس معاف خواهند بود و این به معنای سیاست کیفری تقنینی برای کاهش جمعیت کیفری زندان می‌باشد.

مجازات و اقدامات تأمینی نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، به ترتیب زیر مشخص شده است:

درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمرده است، مجازات‌های زیر اجرا می‌شود:

الف. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

ج. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا انجام صدو هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه پنج است.

د. پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال یا انجام شصت تا صدو هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ه. پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

در مورد مجازات‌هایی که درباره خدمات عمومی هستند، ارائه خدمات نباید بیش از چهار ساعت در روز باشد.

روش‌شناسی

در این مقاله، نگارندگان با روش تحلیلی-توصیفی به راهبردهای اجتماعی و انتظامی در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان پرداخته‌اند.

یافته‌های پژوهش

گرایش به راهبردهای اجتماعی و انتظامی در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان

مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، حاصل تلاشی است که از سال ۱۳۷۹ به همت مدیران قوه قضائیه و جمعی از دانشگاهیان جهت تدوین لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی آغاز شد. هرچند تهیه‌کنندگان متن اولیه، مجازات‌های اجتماعی را در قالب لایحه‌ای مستقل با عنوان «لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی» پیشنهاد کرده بودند^۱ و همواره از اطلاق عنوان «مجازات‌های جایگزین زندان» به این مجازات‌ها برحذر بودند، اما متأسفانه فرآیند پریچ‌وخم تصویب، آن‌هم به‌عنوان فصلی از قانون مجازات اسلامی و نه به‌عنوان قانونی مستقل، و با توجه به اظهارنظرهای افرادی با دغدغه‌های سیاسی و اجرایی که اغلب با دید ابزاری به آن لایحه نگریستند، در آخر، منجر به تغییرات زیادی در مواد لایحه شد و متأسفانه در نهایت، به‌عنوان فصل نهم قانون مجازات اسلامی تصویب شد.

تصویب قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان، از تلاش‌هایی بود که به‌منظور تحدید موارد استفاده از مجازات حبس و متنوع کردن مجازات‌ها، در چهارچوب حبس‌زدایی صورت گرفته است و این مجازات‌ها را شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی، جزای نقدی روزانه و محرومیت موقت از حقوق اجتماعی دانسته است. البته، با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با در نظر گرفتن مجازات‌های جایگزین حبس در ماده ۶۴ گامی بلند به سوی اعمال کیفرهای اجتماعی محور در بسیاری از جرائم برداشته است و در تعیین این مجازات‌ها، قانون‌گذار به صراحت به نقش بزه‌دیده اشاره کرده است (هدایتی، ۱۳۹۵: ۲۱۰). در ماده ۶۴ آمده است که «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف، با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود».

برمبنای بند الف ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، معرفی اطفال بزهکار به مددکار اجتماعی یا روانشناس، فرستادن آنان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی، جلوگیری از رفت‌وآمد اطفال و نوجوان بزهکار به محل‌های معین، از جمله تدابیر جامعه‌مداری هستند که به موجب آن می‌توان اطفال و نوجوان بزهکار را در بستر

۱- برای آگاهی از فرآیند تدوین لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی رجوع کنید به: (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۰۹).



جامعه مجازات کرد تا از این رهگذر، هم به اطفال و نوجوان بزهکار پاسخ داده شود و هم از پیامدهای زیان‌بار کیفرهای سنتی (مثل زندان) اجتناب شود؛ بدین ترتیب، پیش‌بینی این‌گونه از مجازات‌ها در قلمرو سیاست جنایی تقنینی ایران، سبب می‌شود که با رویکردی اصلاحی-درمانی به اطفال و نوجوان بزهکار پاسخ داده شود. در نتیجه، آنان به‌گونه‌ای مناسب‌تر به سمت بازپروری و عدم گرایش به تکرار جرم سوق می‌یابند.

الف. جایگزین‌های حبس به‌عنوان راهبردی اجتماعی در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار
 استفاده از جایگزین‌های حبس در دنیای امروز، در اواخر دهه شصت، با استفاده از خدمات اجتماعی، مجازات‌های تعلیقی و مراقبت همراه با شرایط خاص آغاز شد. جایگزین‌های حبس شامل آن دسته از تدابیر سیاست جنایی است که بدون تکیه بر کیفر زندان درصدد اصلاح کودکان و نوجوانان بزهکار است. این‌گونه از پاسخ‌ها معمولاً در بستر جامعه به دنبال بازپروری کودکان و نوجوانان بزهکار هستند (نیازپور، ۱۳۸۹: ۵۹)؛ ضرورت کیفرهای جایگزین حبس اطفال و نوجوانان را می‌توان در چند مورد برشمرد:

۱. بالا بودن جمعیت کیفری این گروه در زندان‌ها و مراکز مراقبتی: مدیریت امکانات، اجرای برنامه‌های اصلاحی، درمانی، آموزش‌ها و برنامه‌های تربیتی را دچار مشکل می‌کند.
۲. آثار سوء زندان بر اطفال و نوجوانان: در برخی از کشورها مانند ترکیه، بین ۵۰ تا ۷۰ درصد از این گروه، پس از یک تا دو سال از آزادی، دوباره دستگیر شده‌اند (آسین، ددل جانسون و وایتزر، ۲۰۰۵: ۲).
۳. برنامه‌های جایگزین هزینه‌های کمتری بر جامعه تحمیل می‌کنند.

سوابق قانون‌گذار کیفری حکایت از این امر دارد که قوانین و مقررات پیرامون مجازات‌های جایگزین حبس جز مواردی مانند محرومیت از حقوق اجتماعی (مواد ۱۹ و ۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰)، ناقص و غیرمنسجم بوده و از سیاست کیفری مشخصی برخوردار نبوده است (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۲: ۷۱۴).

در مقام مقایسه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، باید گفت که در قانون گذشته (طبق ماده ۴۹)، تربیت اطفال در صورت ارتکاب جرم، در صورت لزوم، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت بود. از آنجا که طفل در تبصره همان ماده کسی بود که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد، پس برای دختر (تا ۹

سال) و پسر تا (۱۵ سال)، کانون اصلاح و تربیت می‌توانست پاسخی به عمل مجرمانه طفل باشد.

مشخص نبودن حدود اختیار قاضی و عدم تعیین مهلت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ایراداتی است که می‌توان به آن وارد کرد؛ اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار با توجه به سن اطفال و نوجوانان پاسخ‌های ضابطه‌مند متفاوتی را پیش‌بینی کرده است و نوجوانان را تا سن ۱۸ سال، مشمول نظام خاص کیفری قرار داده است. قانون‌گذار در ماده ۸۸، اطفال ۹ تا ۱۵ سال را مشمول پاسخ‌هایی مانند تسلیم به والدین، تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی، نصیحت از سوی قاضی، اخطار و تذکر و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۱ تا ۳ ماه در جرائم تعزیری درجه پنج دانسته است. هرگاه نابالغ مرتکب جرم حدی یا موجب قصاص شود و ۱۲ تا ۱۵ سال سن داشته باشد، اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد و در نهایت، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، واکنش به عمل مجرمانه وی است. درباره نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال نیز، در جرائم مستوجب تعزیر پاسخ، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یا پرداخت جریمه نقدی یا انجام خدمات عمومی رایگان است. افراد بالغ زیر ۱۸ سال نیز در جرائم موجب حد و قصاص، در صورت عدم رشد جزایی، مشمول مجازات‌های پیش‌گفته می‌شوند و نه کیفرهای شدید حدی و قصاص.

در حالی که در قانون سابق، افراد بالغ زیر ۱۸ سال مسئولیت کامل کیفری داشتند، ولی در قانون جدید مجازات اسلامی، با توجه به سن اطفال، تقسیم‌بندی و اعمال نوع مجازات‌ها انجام شده است؛ بنابراین، کیفرهای مقرر برای این بازه سنی، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، خدمات عمومی رایگان و پرداخت جزای نقدی است که کمیت این مجازات‌ها در برابر مجازات‌هایی که برای این سن و بزرگسالان به صورت یکسان پیش‌بینی شده است، به‌طور قابل‌توجهی خفیف‌تر بوده و نشان‌دهنده تعادل یافتن سیاست کیفری ایران درباره کودکان است. در همین راستا، با توجه به تدریجی بودن پاسخ‌های پیش‌بینی‌شده در دوره سنی ۱۵ تا ۱۸ سال، حتی حبس در کانون هم جنبه افتراقی به خود می‌گیرد؛ چنان‌که در تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به قاضی اختیار داده شده است تا با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای مجازات‌های حبس در کانون اصلاح و تربیت و جزای نقدی، حکم به اقامت در منزل در ساعات مشخص یا نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته (حبس آخر هفته) صادر کند (مهرا، ۱۳۸۵: ۲۷۲).

هرچند در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجازات‌های جایگزین شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق



اجتماعی است، اما درباره اطفال، همه این موارد به‌عنوان مجازات جایگزین پیش‌بینی نشده است. این ایراد را می‌توان به قانون‌گذار وارد کرد که چرا درباره اطفال و نوجوانان با توجه به تنوع این دسته از مجازات‌ها، فقط به برخی صورت‌ها اشاره کرده است و اختیار قاضی را جهت انتخاب نوع این دسته از مجازات‌ها با توجه به شخصیت متفاوت اطفال و نوجوانان، در راستای فردی کردن مجازات‌ها محدود کرده است. به‌هرحال، با توجه به این که هدف این جستار، مطالعه سیاست‌های تعدیل‌یافته قانون‌گذار است، خدمات عمومی رایگان بررسی می‌شود.

کار به نفع عموم، یک کیفر اجتماعی است که اجرای مجازات تحمیل شده بر مجرم را به درون جامعه می‌برد. این کیفر ملهم از نظریه‌های جرم‌شناسی اصلاح و درمان است و درباره بزهکارانی اعمال می‌شود که گرایش‌های خطرناک ندارند، مانند بیشتر کودکان و نوجوانان بزهکار (فرجی‌اللهی، ۱۳۸۹: ۴۱۹).

بر همین اساس، می‌توان گفت که «خدمات عمومی رایگان، انجام کار و خدماتی به نفع جامعه و به صورت رایگان به میل و رضایت محکوم‌علیه و به حکم دادگاه است»؛ طیف متنوع خدمات عمومی رایگان شامل اموری مانند آموزش حرفه‌وفن، نظافت و آبیاری درختان، کار در بیمارستان‌ها و شرکت در کلاس‌های آموزشی و فنی و حرفه‌ای است (ساکي، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

ایرادی جدی که می‌توان به مجازات‌های جایگزین حبس، به‌ویژه خدمات عمومی وارد کرد، آن است که قانون‌گذار به توانایی و قابلیت نهادهای مدنی برای به کار بردن ظرفیت‌ها و توانایی محکومان اشاره نکرده است و به علت منفعل کردن مشارکت جامعه مدنی در اجرای این دسته از مجازات‌ها، بسترسازی مناسب برای خدمات عمومی رایگان با یک چالش جدی اجرایی مواجه خواهد بود. هرچند، طبق ماده ۷۹ قانون یاد شده، تعیین خدمات عمومی رایگان و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که باید به تأیید رییس قوه قضائیه برسد. ایراد دیگر، عدم استقبال قضات به دلیل فقدان بازدارندگی این مجازات است (زینالی، ۱۳۸۷: ۴۷)؛ البته، در پاسخ این ایراد هم می‌توان گفت که این ادعا به دلیل گرایش قضات ایرانی به اهداف ارعایی کیفر است و خدشه‌ای به ماهیت خدمات عمومی وارد نمی‌کند.

نکته‌ای که از آن غفلت شده است، آسیب‌پذیر بودن اطفال در مجازات‌های جایگزین حبس است؛ به‌عنوان مثال، یک طفل به خدمت رایگان در درمانگاه یا پارک جهت آبیاری یا جمع‌آوری زباله‌ها محکوم شده است، محیط‌های کار با ویژگی‌های خاص خود امکان بزه‌دیدگی این اطفال را فراهم می‌کند، صرف‌نظر از مشقت‌بار بودن این رفتارها برای غالب اطفال، به ممنوعیت کار کودکان، به صورت مطلق، چه در ازای دستمزد و

چه رایگان نیز باید توجه داشت. بنابراین، تا حد ممکن، قضات باید از تعیین برخی از مجازات‌های جایگزین حبس که می‌توانند آسیبی به سلامت جسم یا روان و تربیت طفل وارد کنند، خودداری نمایند و از مصادیقی از این جایگزین‌ها استفاده کنند که بیشتر جنبه آموزشی، فرهنگی و تربیتی دارد.

ب. تعدیل مجازات حبس در پرتو راهبردهای اجتماعی در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار
شیوه‌های نوین حبس، آزادی افراد را محدود می‌کند. این مجازات‌ها در عین جدید بودن، به دلیل این‌که پیش‌تر درباره اطفال و نوجوانان پیش‌بینی نشده بود و در گذشته، اطفال در صورت محکومیت به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، در آن‌جا حبس می‌شدند، حاکی از تعدیل مقابله کیفری با این گروه نیز است؛ زیرا به جای جدایی فرد از جامعه و خانواده و امکان وجود آثار سوء مجازات حبس بر نوجوانان، در منزل حبس می‌شوند و یا در نهایت، روزهای آخر هفته را در زندان می‌گذرانند.

اول. حبس خانگی

حبس خانگی یک کیفر محدودکننده رفت‌وآمد شبانه یا حبس در منزل در ساعات غیرکاری مجرم است (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۹۱)؛ هدف از اعمال این مجازات، انسانی و منصفانه کردن ضمانت اجراها و نیز طرد هر نوع درد و رنج غیرمنطقی از نوجوان بزهکار است.

طبق ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، درباره نوجوانانی که بین ۱۵ تا ۱۸ سال دارند و مرتکب جرم تعزیری شده‌اند و با در نظر گرفتن وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یا جزای نقدی، دادگاه می‌تواند به اقامت در منزل در ساعاتی که خود تعیین می‌کند، حکم دهد.

به‌رغم اهمیت فراوان این مجازات، برخی موانع اجرایی هم وجود دارد، از جمله اقامت در منزل و عدم خروج از آن، که ممکن است مجازاتی خفیف تلقی شود و این مانع اعمال آن شود. درحالی‌که، اگرچه در این شیوه آزادی‌های نوجوان بزهکار بیشتر است و در راستای تعدیل شدن سیاست کیفری پیش‌بینی شده است، اما باز باید اجرا شود که آزادی‌های انتخاب بزهکار را تا حدودی محدود کند تا مؤثر واقع شود (نجفی ابرندآبادی؛ حبیب‌زاده و خالقی، ۱۳۸۰: ۱۵۵).

همچنین، اگرچه سیاست‌های تعدیل شده در راستای مطالعات شخصیت اطفال و نوجوانان صورت گرفته است، اما صرف تصویب قوانینی که در این راستا هستند، کافی نیست. در این باره باید گفت که عدم پیش‌بینی مراقبت در طول حبس خانگی که آن هم مستلزم نظارت است، مانع اجرای کارآمد و دقیق این مجازات است. از این رو، لازم



است سازوکارهای نظارتی مانند نظارت الکترونیکی نوجوان محکوم به این مجازات نیز پیش‌بینی شود تا توان بزهکاری نوجوان سلب شود و امنیت جامعه نیز تأمین شود.

دوم. حبس آخر هفته

حبس آخر هفته، شیوه‌ای از مجازات است که در آن نوجوانان بزهکاری که محکوم به این کیفر شده‌اند، قسمت عمده‌ای از هفته را به حرفه‌آموزی یا انجام کار و حضور در کنار خانواده بپردازد و در آخر هفته در زندان باشد. برخی دانشمندان علوم جنایی از این شیوه اجرای مجازات به «تعطیلات کیفری پایان هفته» تعبیر کرده‌اند (آنسل، ۱۳۹۱: ۹۸).

بر همین مبنا، این شیوه نوین از حبس که در راستای سیاست‌های کیفری تعدیل‌شده قرار دارد، علاوه بر آثار سوئی که زندان برای نوجوانان می‌تواند داشته باشد، موجب سلب آزادی کامل از آن‌ها نمی‌شود و باعث جدایی‌شان از زندگی اجتماعی هم نمی‌شود. اتخاذ حبس آخر هفته به لحاظ تعلیم، تربیت و آموزش برای نوجوانان بسیار اهمیت دارد؛ زیرا علاوه بر پاسخ دادن به خطای ارتكابی‌اش، از ایجاد وقفه در تحصیل او جلوگیری می‌کند. در همین راستا، تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی به اختیار دادگاه در صدور حکم به نگهداری نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله‌ای که مرتکب جرائم تعزیری درجه یک تا پنج می‌شود، اشاره کرده است. طبق این تبصره، دادگاه می‌تواند به نگهداری نوجوان در کانون اصلاح و تربیت، آن‌هم در دو روز آخر هفته برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

پیش‌بینی این شیوه جدید از کیفر حبس، می‌تواند موجب تحول در نگرش طرفداران مجازات حبس و قضاتی شود که طبق سنت قدیمی، تنها به سلب آزادی نوجوان بزهکار و جدا کردن وی از جامعه، به دلیل حالت خطرناکی که دارد، اعتقاد دارند؛ اما در عین حال، باید نظارت کافی نیز بر اطفال و نوجوانانی که به این مجازات نوین محکوم شده‌اند، انجام شود تا هم منافع جامعه تأمین شود و هم این گروه بزهکار اصلاح شوند. البته، همان‌طور که هر دارویی علاوه بر آثار درمانی و مفید دارای عوارض جوانبی نیز می‌باشد، این جایگزین‌ها نیز به‌ویژه برای اطفال، ممکن است مضراتی داشته باشند. به‌عبارت دیگر، باید این احتمال را در تعدادی از این اشخاص بدهیم که با اعمال حبس آخر هفته در کانون اصلاح و تربیت و عدم تساوی شرایط آنجا با زندان بزرگسالان و داشتن آزادی عمل و رفتار در کانون اصلاح و تربیت، رفته‌رفته ترس از مجازات حبس در این اطفال از بین رفته و با تصور اینکه زندان بزرگسالان نیز جایی مثل همین کانون‌ها می‌باشد، در بزرگسالی نیز مرتکب جرائم دیگر شود؛ ضمن اینکه بسیاری از اطفال تمایل

دارند به دلیل حس استقلال طلبی در دوران بلوغ، از تحت نظارت خانواده، حتی برای چند روز، خارج شوند و با گروه‌های همسالان خود باشند. به همین دلیل، استفاده از این نوع مجازات بسیار حساس بوده و در اعمال آن، ویژگی‌های روحی و روانی و شخصیتی طفل حتماً باید با دقت مورد بررسی قرار گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مشکلات جدی همه جوامع بشری جهان معاصر، ارتکاب جرم از ناحیه اطفال و نوجوانان است. از یک‌سو، اطفال بزهکار امروز، اغلب مجرمان بزرگسال و خطرناک آینده خواهند بود و از سوی دیگر، در راهبرد انتظامی انتخاب برخورد مناسب با بزهکاری و انحراف این گروه اجتماعی، از حساسیت و پیچیدگی بسیار بالایی برخوردار است. اگر در راهبردهای انتظامی از الگوهای تهاجمی و سخت‌گیری کیفری استفاده کنیم، بی‌شک اطفال منجر به بزهکاری مجدد خواهند شد؛ ولی اگر در راهبردهای انتظامی از الگوی اعتدالی و بازپروانه استفاده شود، اطفال بزهکار به آغوش خانواده و جامعه باز خواهند گشت و به آینده امیدوارتر خواهند شد. از این‌رو، امروزه، در این زمینه کمتر تردیدی وجود دارد که نظام عدالت کیفری در فرآیندهای مختلف خود باید رویکردی افتراقی را در پاسخ به جرائم و انحرافات اطفال و نوجوانان برگزیند. یکی از دشوارترین انتخاب‌ها در این فرآیند، انتخاب واکنش مناسب نسبت به رفتار بزهکارانه این گروه از جامعه است. از آنجا که بزهکاری اطفال و نوجوانان معمولاً از نوع جرائم خشن نیست و به شکل ساده و متأثر از احساساتی است که اقتضای سن آنان است، باید در رویکرد انتظامی به جای سرزنش آن‌ها و دیدگاه سزاگرایانه نسبت به این گروه بزهکار، رویکردهای حمایتی و اصلاحی درباره آنان اعمال شود؛ زیرا امروزه، بر اساس مطالعات گسترده روانشناختی، جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی، دیدگاه متخصصان و صاحب‌نظران نسبت به واکنش اجتماعی در قبال ارتکاب اعمال مجرمانه از ناحیه اطفال و نوجوانان دچار تغییرات اساسی و بنیادی شده و مشخص شده است که رشد عقلی، جسمانی و عاطفی اطفال و نوجوانان و همچنین، مسئله بلوغ اطفال به‌گونه‌ای نیست که آنان را همچون بزرگسالان در قبال همه اعمال و رفتارهایی که مرتکب می‌شوند، مسئول شناخته و مجازات کرد.

تصمیمات قضایی جایگزین واکنش‌های تنبیهی در نظام‌های حقوقی، بسته به نوع جرم، سطح سنی و وضعیت خاص فردی و اجتماعی و نیز روند پیشرفت تأثیر واکنش تنبیهی در اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان، معارض با قانون پیش‌بینی شده‌اند. هدف اصلی این است که طفل یا نوجوان از خانواده خود و اجتماع جدا نشود؛ زیرا چنان‌که در اصول تعیین واکنش‌های اجتماعی در قبال رفتار مجرمانه اطفال و نوجوانان بیان شده



است، بر اساس دستاوردهای علوم جنایی و جرم‌شناسی، همواره استفاده از اقدامات تربیتی، آموزشی و مراقبتی تحت نظارت خانواده اصلی و یا خانواده مورد اعتماد و مددکاران اجتماعی متبحر، بر نگهداری اطفال و نوجوانان در مؤسسات و یا کانون‌های اصلاح و تربیت مرجح است. دوری اطفال و نوجوانان از خانواده و اجتماع موجب اضطراب، دلهره و نگرانی شدید ایشان شده و احساس انتقام‌جویی و خصومت‌مداری را در آنان تقویت می‌کند. آنان در تماس با اطفال و نوجوانان محبوس، الگویی از بزهکاری را فراروی خود دیده و بدین‌گونه زمینه تکرار جرم فراهم می‌شود.

الغاء و تعدیل واکنش‌های تنبیهی، یکی از مصادیق افتراقی شدن حقوق کیفری اطفال است. در ایران، تحولات در این زمینه با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شروع شده است. در سیاست کیفری کنونی ایران، به صراحت به کیفرهای جامعه‌مدار اشاره نشده است، ولی بخش ماهوی لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ادغام شده است و این می‌تواند در زمینه استفاده از راهبردهای اجتماعی برای بزهکاران اطفال و نوجوان حرکت مثبتی باشد.

پیشنهادها

- در پایان و بر اساس یافته‌ها، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
- ایجاد زمینه‌های فرهنگی برای زندان‌زدایی برای اطفال و نوجوانان فراهم شود؛ از جمله مهم‌ترین زمینه‌ها، نهادینه ساختن مؤلفه‌های بنیادین عدالت ترمیمی (مانند سیاست‌های صلح و سازش) در جامعه است.
- تغییر تفکر حبس‌محوری قضات و آموزش آن‌ها در جهت تفکر حبس‌زدایی در بزه‌های اطفال و نوجوانان.
- تصویب ماده قانونی مستقل در زمینه اعمال شرایط و نحوه مجازات حبس خانگی در راستای سیاست‌های حبس‌زدایی در نظام کیفری ایران.
- تضمین امنیت اجتماعی اطفال در دوران پساکیفری در جامعه.

قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۸۲). «جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین»، چاپ اول، تهران: نشر گرایش.
- آنسل، مارک (۱۳۹۱). «دفاع اجتماعی»، ترجمه: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- تدین، عباس (۱۳۹۶). «حقوق کیفری تطبیقی»، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- حاجی تبار فیروزجایی، حسن (۱۳۹۲). «بسترهای اثربخشی عملی مجازات‌های اجتماعی، در دایره‌المعارف علوم جنایی»، (زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی)، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- حق طلب، علی اصغر و دیگران (۱۳۹۶). «تحولات مجازات‌های بدنی در سیاست کیفری ایران بر مبنای اسناد بین‌المللی حقوق بشری»، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱(۳۹): ۳۳۱-۳۱۵.
- خواجه‌نوری، یاسمین (۱۳۹۶). «جهانی شدن حقوق کیفری اطفال بزهکار»، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۳). «حقوق جزای عمومی»، جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۹). «بزهکاری اطفال و نوجوانان»، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- شاملو، باقر (۱۳۹۰). «عدالت کیفری و اطفال»، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی مجازات اعدام»، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- رحمانی، مهدی (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی مجازات اعدام از دیدگاه فقهی و حقوقی و مقایسه آن با قوانین کیفری بین‌المللی»، (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد)، دانشگاه پیام نور استان تهران.
- رهامی، محسن (۱۳۸۲). «تحول و تعدیل مجازات‌ها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران»، اندیشه‌های حقوقی، ۱(۴): ۲۴-۵.
- زراعت، عباس (۱۳۸۷). «شرح قانون مجازات اسلامی (بخش کلیات)»، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ققنوس.
- زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی: بستری برای اعمال کیفرهای اجتماع محور در ایران»، حقوقی دادگستری، (۶۴): ۳۳-۵۴.
- عظیم‌زاده، شادی (۱۳۹۰). «جرم‌شناسی تطبیقی (پایداری در بزهکاری در حقوق ایران و آمریکا)»، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.



- فرج‌الهی، رضا (۱۳۸۹). «جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری»، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- مهرا، نسرین (۱۳۸۵). «قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار: حال و آینده»، الهیات و حقوق، ۴(۲۰): ۴۱-۶۰.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۱). «مجموعه نظریات شورای نگهبان»، جلد اول، تهران: انتشارات کیهان.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ کوشکی، امیرحسین؛ بارانی، محمد؛ دعاگویان، داود؛ یاراحمدی، حسین (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی سیاست جنایی پلیس‌های ایران و کانادا در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۹(۳۶): ۴۹-۷۲.
- مهدوی ثابت، محمدعلی؛ آشوری، محمد؛ رحمدل، منصور؛ دستور، علی (۱۳۹۹). «پیشگیری اجتماعی از جرائم موادمخدر و روان‌گردان کودکان در نظام عدالت کیفری»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۳(۵۰): ۱۹۷-۲۲۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶). «مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان: راهکاری برای کاهش جمعیت زندان»، در مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ خالقی، ابوالفتح (۱۳۸۰). «حبس خانگی»، مدرس علوم انسانی، ۵(۲۱): ۲۱۸-۱۴۱.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۶). «حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (فرآیند پاسخ‌دهی به بزه‌کاری کودکان و نوجوانان)»، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۹). «پاسخ‌های عدالت کیفری ایران به بزهکاری اطفال»، مطالعات پیشگیری از جرم، ۵(۱۴): ۵۵-۷۸.
- هدایت، هدیه (۱۳۹۵). «آیین دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده (مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران)»، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- همت، مسعود؛ حیدرپور، حمیدرضا؛ بزی‌تنها، ژیللا (۱۳۹۷). «مبانی و ضرورت‌های اعمال جایگزین حبس در مورد کودکان و نوجوانان (در پرتو نگاه تطبیقی به تجربه حقوق ایران و امریکا)»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۴(۳۷): ۷۷-۱۱۳.
- یاراحمدی، حسین (۱۳۹۶). «سیاست جنایی پلیس در قبال اطفال و نوجوانان (چالش‌ها و راهکارها)»، (رساله دکتری)، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ کوشکی، غلامحسین؛ بارانی، محمد؛ دعاگویان، داود؛ یاراحمدی،

حسین (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی سیاست جنایی پلیس‌های ایران و کانادا در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۹(۳۶): ۷۲-۴۹.

-یکرنگی، محمد؛ ایرانمش، مهدی (۱۳۸۷). «کیفرهای اجتماع‌محور: از نظریه تا عمل»، حقوقی دادگستری، (۶۴): ۱۱۲-۸۹.

-Austin, J, Dedel Johnson. K. Weitzer. R. (۲۰۰۵). **Alternative to the Secure Detention and Confinement of Juvenile Offenders**, Juvenile Justice Practices Series.